

تأمین اجتماعی در مسیر بازگشت به تعادل مالی

با پوشش بیش از نیمی از جمعیت کشور، این نهاد با ناترازی عمیق روبه‌رو است مدیریت منابع، کنترل هزینه‌ها و برنامه‌های هدفمند راهکارهای کلیدی به شمار می‌روند



صندوق‌های بازنشستگی ایران با حجم گسترده تعهدات خود در قبال بازنشستگان و مستمری بگیران، در تقاطع خطیر منابع و مصارف ایستاده‌اند. سال‌ها تصمیم‌سازی غیرکارشناسی، تعهدات بدون پشتوانه مالی و افزایش فاصله سن بازنشستگی تا امید به زندگی، صندوق‌ها را در وضعیتی قرار داده که مصارف از منابع پیشی گرفته و ناترازی اقتصادی و مالی را به یک بحران فراگیر تبدیل کرده است.

تأمین اجتماعی و مسیر برون‌رفت از ناترازی

سازمان تأمین اجتماعی، با پوشش بیش از نیمی از جمعیت کشور، در سال‌های اخیر با چالش عمیق ناترازی منابع و مصارف مواجه شده؛ وضعیتی که نه‌تنها پایداری مالی این نهاد را تهدید می‌کند، بلکه مستقیماً رفاه و امنیت میلیون‌ها بیمه‌شده، بازنشسته و مستمری بگیر را تحت تأثیر قرار داده است. دلایل این ناترازی درازتر از مشکلات عمومی صندوق‌های بازنشستگی بوده و شامل تعهدات تکلیفی خارج از چارچوب محاسبات بیمه‌ای، بازنشستگی‌های پیش از موعد و سخت‌وزبان‌آور، رشد مستمر هزینه‌های بازنشستگی و خدمات درمانی، انباشت مطالبات از دولت و بخش کارفرمایی و ضعف در مدیریت مصارف است. در سال جاری، هزینه‌های ماهانه این سازمان به ۱۲۵ همت رسیده که بیش از ۱۰۰ همت آن صرف پرداخت حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران می‌شود؛ سطحی از تعهدات که در هیچ صندوق بیمه‌ای دیگری قابل مقایسه نیست.

کارشناسان بیمه‌های اجتماعی معتقدند خروج از این وضعیت، نیازمند تدوین برنامه‌های درآمدزا و هم‌زمان مدیریت مصارف، به‌ویژه در بخش‌هایی با الزام و اولویت کمتر است. به بیان دیگر، رشد منابع و کنترل مصارف باید به‌صورت هماهنگ زمینه تعادل مالی صندوق‌ها را فراهم آورد. در این مسیر، سازمان تأمین اجتماعی با توجه به تجارب گذشته و تصمیمات ناتراز، اقدام به تدوین مجموعه‌ای متشکل از ۳۲ برنامه درآمدزایی و کنترل هزینه کرده است. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در مراسم معارفه عضو جدید هیأت مدیره با اشاره به اینکه ۲۲ برنامه درآمدی و ۱۰ برنامه کنترل مصارف برای ایجاد توازن مالی طراحی شده، اعلام کرد که سال جاری با وجود دریافت بخشی از مطالبات از دولت، حقوق بازنشستگان

۵۶ درصد افزایش یافته و هزینه ارائه خدمات درمانی نیز به همین نسبت رشد کرده؛ به گونه‌ای که مجموع هزینه‌های سازمان بیش از ۱.۵۶ برابر افزایش را تجربه کرده است. اجرای این برنامه‌ها در بلندمدت می‌تواند به شکل ملموسی به حل مسأله ناترازی کمک کند. به گفته مدیرعامل، در صورت تصویب مصوبات لازم از سوی دولت و مجلس، ۲۰۸ همت درآمد ناشی از برنامه‌های درآمدزایی و ۱۰۰ همت صرفه‌جویی از محل کنترل مصارف قابل تحقق خواهد بود. کارشناسان حوزه بیمه‌های اجتماعی تأکید دارند که استمرار برنامه‌های درآمدی، همراه با مدیریت دقیق هزینه‌ها و اصلاحات ساختاری، راهکار اصلی برون‌رفت از ناترازی صندوق‌ها است. این اقدامات نه‌تنه‌تاز مالی را بهبود می‌بخشد، بلکه امکان ارتقای کمی و کیفی خدمات بیمه‌ای را نیز فراهم می‌آورد.

در مجموع، حرکت سازمان تأمین اجتماعی به سمت تعادل منابع و مصارف، نمونه‌ای از ضرورت هم‌زمان نگاه کارشناسی و عملیاتی در مدیریت صندوق‌های بازنشستگی است؛ مسیر بلندمدتی که با تقویت منابع، کنترل مصارف و اجرای برنامه‌های هدفمند، می‌تواند پایداری مالی و رفاه بیمه‌شدگان را تضمین و آینده نامطمئن صندوق‌های بازنشستگی را به مسیر ثبات و توسعه هدایت کند.

سرمایه‌گذاری بلندمدت

ناترازی منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی، به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی، چالشی بلندمدت است که ثبات آینده بیمه‌گران اجتماعی و کیفیت خدمات آنان را تهدید می‌کند. کاهش قدرت سرمایه‌گذاری، افزایش ریسک، ایجاد تعهدات معوق، افت کیفیت و گستره ارائه خدمات و محدودیت در توسعه، بخشی از پیامدهای ملموس این وضعیت است. برداشت نامتناسب از منابع موجود و اختلال در سرمایه‌گذاری‌های آینده، توان رشد و سودآوری سازمان را در بلندمدت کاهش می‌دهد و اصل پایداری صندوق بازنشستگی را به چالش می‌کشد. در بلندمدت، تأخیر در پرداخت مطالبات مراکز درمانی طرف قرارداد و حقوق مستمری بازنشستگان، مستقیم ناشی از ناترازی خواهد بود.

کارشناسان حوزه بیمه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند رعایت اصول قانونمند، کلید عبور از این بحران است.

غلامحسین عابدی‌روش با استناد به پندسوم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، بر ضرورت پایبندی به حقوق و تعهدات بین‌نسلی، جلوگیری از تحمیل طرح‌های بدون پشتوانه مالی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و حفظ ارزش ذخایر صندوق‌های بیمه‌گر تأکید دارد. او معتقد است که اصول بیمه‌های اجتماعی باید بر پایه محاسبات علمی و بیمه‌ای شکل گیرد و اجرای برنامه هفتم توسعه، ایجاد تعهدات جدید برای سازمان‌های بیمه‌ای را محدود کرده و بدین ترتیب پایداری بیشتر این نهادها را تضمین می‌کند.

در کنار قانونمند کردن ساختار، سرمایه‌گذاری یکی از منابع حیاتی درآمدزایی صندوق‌های بازنشستگی است. نگاه کارشناسانه و آینده‌محور به سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌تواند بخشی از منابع لازم برای تأمین اجتماعی را فراهم کند و منافع بین‌نسلی را تضمین نماید. عابدی‌روش تأکید دارد که تقویت زمینه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، علاوه بر افزایش درآمد، تسهیل خدمات بیمه‌ای و صیانت از حقوق شرکای اجتماعی صندوق‌ها را نیز ممکن می‌سازد. به باور کارشناسان، دولت‌ها باید در این مسیر نقش سیاست‌گذار و راهبر را ایفا کنند، اما مدیریت عملیاتی و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را به ذی‌نفعان، شرکای اجتماعی و مالکان صندوق‌ها واگذار کنند تا رویکرد کارشناسی و بلندمدت در تصمیمات حفظ شود. این اقدام نه‌تنها امنیت مالی صندوق‌ها را تقویت می‌کند، بلکه امکان پاسخگویی به تعهدات بلندمدت و ارتقای کیفیت خدمات بیمه‌ای را نیز فراهم می‌آورد.

در نهایت، ترکیب پایبندی به قوانین، رعایت محاسبات بیمه‌ای و استفاده هوشمندانه از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، مسیر اصلی برون‌رفت از ناترازی و تضمین پایداری صندوق‌های بازنشستگی است. بدون این رویکرد، نه‌تنها توان مالی صندوق‌ها کاهش می‌یابد، بلکه اعتماد بیمه‌شدگان و امنیت آینده بازنشستگان نیز با خطر جدی مواجه خواهد شد. صندوق‌های بازنشستگی تنها با اجرای سیاست‌های قانونمند و سرمایه‌گذاری هوشمند می‌توانند از وضعیت ناتراز عبور کرده و پایداری تعهدات خود را در بلندمدت تضمین کنند.

راهکارهای بازگردانی تعادل مالی

ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، به‌ویژه سازمان

تأمین اجتماعی، به معنای کسری منابع نسبت به مصارف است و خود به خود مزیتی ندارد. با این حال، برخی رویه‌ها که به این وضعیت دامن زده‌اند، در کوتاه‌مدت برای گروه‌هایی از جامعه تسهیلات محدودی فراهم کرده‌اند. تأخیر دولت در بازپرداخت مطالبات تأمین اجتماعی فشار مالی را از بودجه عمومی برمی‌دارد، اما بار آن را بر دوش این سازمان می‌گذارد. در عین حال، تأمین اجتماعی با رویکرد مدارا با کارفرمایان و تسهیل شرایط پرداخت حق بیمه، به حمایت از تولید و حفظ اشتغال کمک می‌کند، اما این اقدامات کوتاه‌مدت نمی‌توانند اصل بحران ناترازی را پوشش دهد.

غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، تأکید می‌کند که در برخی موارد اصل هزینه‌کرد تعهدات تأمین اجتماعی توسط دولت‌ها نادیده گرفته می‌شود. به عنوان مثال، طبق قانون تأمین اجتماعی، سه درصد از حق بیمه هر فرد باید توسط دولت تقبل شود، اما اجرای این بخش و جبران جرائم مرتبط اغلب رعایت نمی‌شود. اومی‌افزاید: ایفای تعهدات دولت‌ها در قبال صندوق‌های بازنشستگی، به‌ویژه تأمین اجتماعی و در حوزه پرداخت مطالبات، برای حفظ پایداری و استمرار فعالیت این نهادها الزامی است. عابدی‌روش با اشاره به سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی، به استقرار یک نظام جامع، فراگیر و چندلایه اشاره دارد و تأکید می‌کند که دولت باید در قالب این نظام، توان مالی ووسع افراد را در تقسیم‌بندی خدمات مدنظر قرار دهد. از سوی دیگر، ممنوعیت ایجاد هزینه‌ها و تعهدات جدید که در برنامه هفتم توسعه نیز بر آن تأکید شده، باید در اولویت تصمیم‌سازی‌های دولت قرار گیرد تا از تشدید ناترازی جلوگیری شود.

برای بازگرداندن تعادل مالی، تأمین اجتماعی نیازمند سه رویکرد اساسی است: تأمین مالی و وصول مطالبات از دولت و کارفرمایان، کنترل و مدیریت هزینه‌ها، و اصلاحات ساختاری و قانونی. در این راستا، تدوین ۳۲ برنامه درآمدزایی و کنترل مصارف زمینه برقراری تراز مالی بلندمدت را فراهم می‌کند. تمرکز بر تسریع و تضمین جریان ورودی منابع، بازپرداخت بدهی‌های دولت، مدیریت دارایی‌ها، بازایابی سود و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها، از محورهای کلیدی این برنامه‌ها به شمار می‌رود. عابدی‌روش تأکید می‌کند که مداخلات غیربیمه‌ای، از جمله تصمیمات دولت‌ها خارج از چارچوب بیمه‌ای، یکی از عوامل اصلی عدم پایداری صندوق‌ها است. او می‌گوید: اختلال در ایفای تعهدات دولت‌ها دلیل موجهی برای توقف خدمات به جامعه تحت پوشش نیست، اما ادامه این وضعیت به مدّت طولانی، علاوه بر تهدید منابع مالی، ناترازی بلندمدت صندوق‌ها را رقم می‌زند. راهکار برون‌رفت از این وضعیت، پایبندی دولت به تعهدات خود در قبال سازمان‌های بیمه‌گر، به‌ویژه تأمین اجتماعی، است. او همچنین به تأثیر شرایط نامطلوب رشد اقتصادی در برخی دوره‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «نامتعادل بودن فضای کسب‌وکار، مشکلات حقوق و دستمزد و کاهش پرداخت حق بیمه، منابع صندوق‌ها را محدود کرده و تعهدات آینده را در معرض تهدید قرار می‌دهد. این عوامل در نهایت باعث تضعیف خدمات صندوق‌ها و اختلال در پایداری مالی آنها می‌شود.» بنابراین، حل چالش ناترازی تنها با ترکیبی از وصول به موقع مطالبات، مدیریت هزینه و اصلاحات ساختاری ممکن است. این اقدامات می‌تواند ثبات مالی صندوق‌ها را بازگردانده و امکان ارائه خدمات مستمر و باکیفیت به بیمه‌شدگان و بازنشستگان را تضمین کند. در غیر این صورت، ناترازی، آینده صندوق‌های بازنشستگی و امنیت مالی میلیون‌ها شهروند را با مخاطره جدی مواجه خواهد ساخت.

مدیریت هوشمند هزینه‌ها

مدیریت هزینه‌ها، بیش از صرفاً کاهش یا کنترل مصارف، به معنای برنامه‌ریزی دقیق برای هزینه‌کرد در جای مناسب است و نقش اساسی در ارتقای وضعیت مالی صندوق‌های بازنشستگی دارد. در کنار افزایش منابع و درآمدزایی، این رویکرد می‌تواند تعادل منابع و مصارف را برقرار کرده و از تشدید ناترازی جلوگیری کند. کارشناسان صندوق‌های بیمه‌ای تأکید دارند که رویکردهای درآمد-هزینه‌ای غیرمتناسب با وضعیت منابع و تعهدات، ناترازی را تشدید کرده و صندوق‌ها را به سوی چالش‌های مالی و افزایش تعهدات سوق می‌دهد. غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس تأمین اجتماعی، بر این باور است که مداخلات غیربیمه‌ای و تصمیمات کلان دولت و مجلس، در دوره‌های مختلف، اختلالی جدی در محاسبات بیمه‌ای ایجاد کرده است. نمونه روشن این وضعیت، بازنشستگی بیش از موعد کارکنان دولت است که فشار مضاعفی بر منابع صندوق‌ها وارد کرده است.

تأمین



یادداشت

O P I N I O N



فرامرز ادراکی

کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی

ظرفیت‌های مغفول بیمه‌های توافقی

توسعه و تعمیم بیمه‌های اجتماعی از منظر قانون یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان تأمین اجتماعی به شمار می‌رود و این تکلیف بر اساس اصل بیست‌ونهم قانون اساسی به روشنی برعهده این نهاد گذاشته شده است. سازمان موظف است پوشش بیمه‌ای را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کند و دامنه پرخورداری از خدمات بیمه‌ای را به گونه‌ای گسترش دهد که هیچ گروه شغلی یا جمعیتی بدون امکان برخورداری از حمایت‌های پایه باقی نماند. بیمه‌های توافقی در این میان به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر توانسته‌اند مسیر دستیابی به پوشش فراگیر را تسهیل کنند و زمینه ورود گروه‌های متنوع، از جمله شاغلان و فعالان کسب‌وکارهای اینترنتی را به نظام بیمه‌ای کشور فراهم سازند. این رویکرد در نهایت موجب افزایش چتر بیمه‌ای و تقویت درآمد‌های پایدار سازمان می‌شود. تنوع بخشی به بسته‌های بیمه‌ای و ایجاد انعطاف در میزان پرداخت حق بیمه از مهم‌ترین عوامل جذب گروه‌های جدید به نظام بیمه‌ای است. ارائه خدمات در حوزه‌های درمانی و حمایتی باید بر اساس سطح پرداخت افراد تنظیم شود تا تناسب منطقی میان حق بیمه و نوع خدمات برقرار بماند. این شیوه امکان بهره‌مندی افرادی را که با قراردادهای نیمه‌وقت یا پاره‌وقت فعالیت می‌کنند فراهم می‌کند و موجب می‌شود گروه‌های شاغل در کسب‌وکارهای مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال نیز به طور رسمی وارد چرخه بیمه‌ای شوند. توسعه این مدل از بیمه‌پردازی علاوه بر افزایش پوشش اجتماعی، به ارتقای شفافیت و نظم مالی سازمان نیز کمک می‌کند و ظرفیت لازم برای مدیریت پایدار منابع و مصارف را در اختیار تأمین اجتماعی قرار می‌دهد. با وجود ظرفیت‌های گسترده، در سال‌های گذشته بخشی از توان سازمان برای جذب بیمه‌شدگان بالقوه نادیده گرفته شده و به‌ویژه گروه‌های فعال در حوزه کسب‌وکارهای مجازی به دلیل نبود سازوکارهای کارآمد از مزایای بیمه‌ای محروم مانده‌اند. بازنگری در قوانین و به‌روزرسانی مقررات می‌تواند مسیر تازه‌ای برای ورود این گروه‌ها به نظام بیمه‌ای ایجاد کند و امکان دستیابی سازمان به منابع جدید را فراهم سازد. توسعه بیمه‌های اختیاری و توافقی نه‌تنها باعث گسترش پوشش اجتماعی می‌شود بلکه به تقویت بنیه مالی سازمان نیز منجر خواهد شد. این رویکرد افزون بر افزایش تعداد بیمه‌شدگان، موجب ارتقای ثبات مالی و بهبود توان سازمان برای ایفای نقش در حوزه رفاه اجتماعی می‌شود. تحولات سریع در ساختارهای اقتصادی و گسترش فعالیت‌های مبتنی بر فناوری ضرورت بازتعریف رویکرد سازمان تأمین اجتماعی در جذب گروه‌های فاقد پوشش بیمه‌ای را دوچندان کرده است. امروز بخش قابل توجهی از نیروی کار کشور در مشاغل غیررسمی، پروژه‌ای، پاره‌وقت یا مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال فعالیت می‌کنند و بسیاری از آنان هنوز به نظام بیمه‌ای راه نیافته‌اند. بهره‌گیری از ظرفیت ۲۷ درصد افراد فاقد بیمه، به تأمین اجتماعی امکان می‌دهد تکالیف قانونی را کامل اجرا کند، منابع پایدار جدید ایجاد شود و با جذب این گروه‌ها سهم کنونی ۵۳ درصدی پوشش افزایش یافته و عدالت اجتماعی و استحکام نظام حمایت اجتماعی تقویت شود.